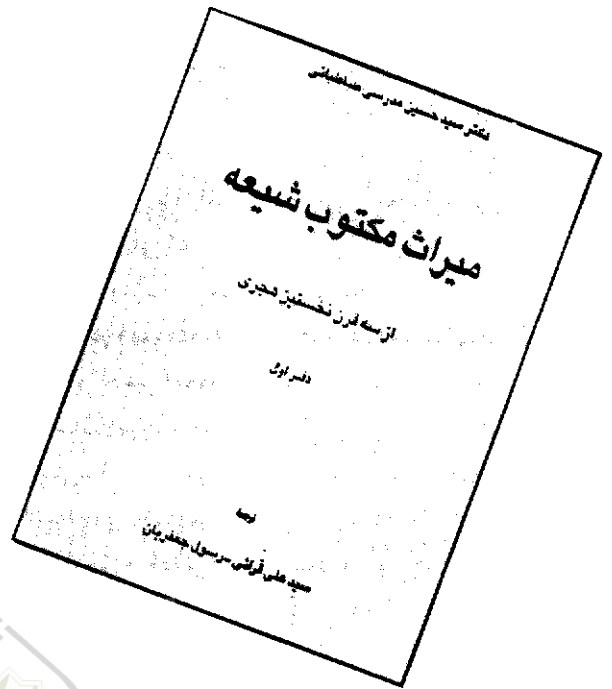


فهرستی تازه از میراث مکتوب شیعه

سید محمد عمادی حائری



۲. از استاد دکتر سید حسین مدرس طباطبائی، پیش از این کتاب‌های ارزشمند و گاه بحث‌انگیزی منتشر شده است، مانند تربیت پاکان، زمین در فقه اسلامی، درآمدی بر فقه شیعه، مکتب در فرآیند تکامل و ...

کتاب‌های او از آن جمله آثاری است که دقت و تعمق حوزوی را با نظم و انسجام دانشگاهی در یک جا گرد آورده و همین خصیصه است که به نوشته‌های او ارزشی ویژه می‌بخشد و آنها را شایان توجه و تأمل می‌سازد. نام مدرس طباطبائی، این بار بر پیشانی تحقیق ارجمند دیگری نشسته است: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری. اثری جدی و مهم در راستای توجه به نگاه قدمای امامیه به حدیث، همان نگاه که به اشاره از آن سخن گفته ایم.

کتاب در سال ۲۰۰۳م به زبان انگلیسی با عنوان:

Tradition and Survival: A bibliographical Survey of Early Shi'ite Literature

در آکسفورد منتشر شده و اینک ترجمه فارسی آن به کوشش آقایان سید علی قرآنی و رسول جعفریان در اختیار فارسی‌زبانان قرار گرفته است.

۳. آنچه که به زبان انگلیسی منتشر شده، دفتر اول از کتاب است و دفتر دومی نیز در پی خواهد بود که تاکنون به چاپ نرسیده است. مجموع دو دفتر، مشتمل بر پنج دوره تاریخی

۱. تفصیل این اشاره گذرا را در مقاله‌ای که در دست تحریر نهایی است نگاشته‌ام.

سید حسین مدرس طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری (دفتر اول)، ترجمه سید علی قرآنی و رسول جعفریان، چاپ اول، بی‌نا، قم، ۱۳۸۳ش.

۱. فهرست‌نگاری در میان شیعه از اواخر قرن سوم هجری رواج یافت. از فهرست‌نگاران کهن شیعی می‌توان به حمید بن زیاد کوفی (م ۳۱۰)، محمد بن حسن بن احمد بن ولید (م ۳۴۳)، محمد بن علی بن حسین صدوق (م ۳۸۱)، ابن بطه قمی (ق ۴) و ... اشاره کرد. از فهرست‌های جدیدتر قدما می‌باید از دو فهرست مهم و بر جای مانده از شیخ طوسی (م ۴۶۰) و نجاشی (م ۴۵۰) نام برد. این توجه به میراث مکتوب و به فهرست در آوردن آنها ریشه در همان اعتماد و اتکا بر کتب دارد که شیوه قدمای اصحاب ما بوده است، برخلاف دوره‌های بعد. و به طور مشخص از زمان محقق حلی (م ۶۷۶) بدین سو. که توجه و تأکید بر سند (افراد ناقل) حدیث، مبنای رد و قبول روایات واقع شد، روشی که تا روزگار ما بر پذیرش احادیث و در نهایت بر استنباط احکام تأثیری شگرف نهاد.

نخستین قدم در شناسایی روش قدمای اصحاب و بازگشت بدان، کوشش در شناخت آثار مکتوب آنان و سعی در پی جویی و ردیابی آن آثار در مکتوبات بعدی - که تاکنون بر جای مانده - است.

است که از روزگار امیر مؤمنان (ع) تا پایان غیبت صغری (یعنی سراسر عصر معصومان) را دربر خواهد گرفت (ص ۱۱). مؤلف وعده کرده است که در پایان کتاب، بابت رابه ارزیابی از این میراث مکتوب اختصاص دهد (همان جا).

کتاب با مقدمه نه چندان بلند، اما عالمانه، آموزنده و پر نکته مؤلف آغاز می شود. مؤلف در مقدمه - شاید متواضعانه - اثر خود را متمم بخش آثار امامیه کتاب فؤاد سزگین (تاریخ نگارش های عربی)^۲ معرفی می کند (ص ۱۱). هر چند در کتاب سزگین حق میراث امامیه - چنان که می شایست و می بایست - گزارده نشده و بسیار مختصر و گاه نارسا از آن گذر شده، اما کتاب مدرسی طباطبایی از اساس عمیق تر و فراتر از آن است که استدراک بر کار سزگین به حساب آید، چه آن که به نظر نگارنده مهمترین بهره از این کتاب را در مباحث تخصصی حدیث پژوهی می باید جست و نه تنها در سیر تاریخ نگارش های شیعی - عربی.

مؤلف هدف این تحقیق را «شناخت و دستیابی به میراث مکتوب مذهب شیعه امامیه طی سه قرن نخست ق» بیان می دارد (ص ۱۱). او ابتدا از سرآغاز نوشتارهای مؤلفان امامی که به صورت جزء، نسخه، اصل، صحیفه و کتاب بوده است سخن می گوید، همان دفترهایی که بعدها منابع عمده نوشته های منظم تألیف و گاه تبویب شده بعدی گردید (ص ۱۱-۱۲). در ادامه، مؤلف به نکته مهمی اشاره می کند که می باید آن را کلید درک اهمیت کتاب دانست و آن این که «مجامیع متقدم حدیث، بیشتر مطالب خود را از نوشته های پیشین برگرفته و غالباً اسناد این روایات، نشانگر طریق دستیابی مؤلفین آثار بعدی به کتاب های پیشین است نه سند نقل شفاهی نقل ها ... به نظر می رسد که اگر روایتی با همان اسناد که در کتاب شناسی های قدیم شیعی برای دفاتر حدیثی اصحاب ائمه ذکر شده روایت شده و یا دست کم به همان راوی اعلی که فهرست ها به عنوان راوی کتاب از مؤلف معرفی می کنند اسناد داده شده باشد به احتمال زیاد از همان اثر مکتوب متقدم سرچشمه گرفته است» (ص ۱۳).

همین نکته است که ضرورت نگاه کتاب شناسانه به میراث حدیثی را آشکار می سازد، نکته مهمی که حتی بسیاری از پژوهشگران علوم حدیث نیز از آن غافلند. به گفته مؤلف او «تلاش دارد که نقل مستقیم آثار متأخر را از منابع مکتوب متقدم نشان دهد (همان جا). آری، شناخت سرچشمه های مکتوب احادیث و اهمیت آن، نکته مهمی است که شاید فهم قیمتندی آن برای بسیاری آسان نباشد. طبعاً پژوهشی این چنین در گستره آثار مکتوبی که اکنون موجود نیست «ناگزیر از اسناد به سلسله ای بزرگ از احتمالات و حدس ها» خواهد بود، چنان که

مؤلف خود بدان تصریح کرده است (ص ۱۵).

دفتر اوگ، شامل سه فصل از پنج فصل کلی کتاب است:

فصل اول: امام علی بن ابی طالب (ع) و نزدیکانش؛

فصل دوم: تشیع کوفی در دوران اموی؛

فصل سوم: دوران سرکوب شیعه (سال های ۱۳۶ تا ۱۹۸ هجری).

هر فصل با درآمد کوتاهی در تحلیل و بررسی آن دوره تاریخی آغاز می شود.

ترتیب کتاب، بر اساس نام مؤلفان است. این همان شیوه ای است که در فهرست های کهن اصحاب (مانند فهرست های شیخ طوسی و نجاشی) معمول بوده است و تأکید و توجه فهرست نویسان بر رجال / مؤلفان حدیثی را نشان می دهد.^۳ در این کتاب - به درستی - از برخی مؤلفان غیر امامی که به نقل حدیث از ائمه امامیه (ع) پرداخته اند نیز سخن رفته است (ص ۱۷۰)، همچنان که شیخ طوسی و نجاشی در فهرست های خود چنین کرده اند.

دو فصل نخست بر اساس تاریخ قطعی یا تقریبی وفات مؤلفان تدوین شده، اما فصل سوم بر پایه حروف الفبایی نام مؤلفان ترتیب یافته است. در ذیل نام هر مؤلف، ابتدا شرحی دقیق و گاه مفصل از او آورده شده که بعضاً با تحلیل ها و بررسی های ارزشمندی همراه است (مانند شرح حال کمیل، ص ۱۰۸-۱۱۲ و جابر جعفی، ص ۱۲۴-۱۳۱)، سپس کتاب های وی نام برده شده و سعی گردیده تا قطعه های بر جای مانده از هر کتاب در منابع متأخر جستجو شود.

همه این پژوهش ها و جستجوها همراه با اسناد و ارجاع به منابع مفصل بسیاری است. گستردگی منابع، تحسین برانگیز و شوق آفرین است. این را از فهرست بلند بالای منابع در پایان کتاب نیز می توان دریافت. در همین فهرست منابع نیز گاه توضیحات روشنگرانه ای در باب شناخت صحیح کتاب یا

۲. تاکنون چند جلد از این کتاب به سرور استاری آقای احمد رضا رحیمی ریس به فارسی ترجمه شده است (مؤسسه نشر فهرستگان، به اهتمام خانه کتاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ به بعد). این برگردان فارسی به جهت استدراکات و تصحیحات انجام شده در آن بر اصل آلمانی خود برتری دارد.

۳. این ترتیب را می توان با نوعی از فهرست منابع و مآخذ در روزگار ما مقایسه کرد که بر اساس نام مؤلفان مرتب می شود، هر چند پیداست که ما این شیوه را در فهرست منابع تحقیق از اروپایی ها اخذ کرده ایم و نه از پیشینه کهن خود. در فرهنگ اسلامی - ایرانی ما شاید تأکید منابع بیشتر بر کتاب باشد تا مؤلف به ویژه کتاب هایی که بیشتر شکل گردآوری دارند (مانند بحار الانوار مجلسی) تا ارائه یک نظر و اندیشه خاص (مانند تصحیح الاعتقاد مفید).

۴. این ترتیب را می توان با نوعی از فهرست منابع و مآخذ در روزگار ما مقایسه کرد که بر اساس نام مؤلفان مرتب می شود، هر چند پیداست که ما این شیوه را در فهرست منابع تحقیق از اروپایی ها اخذ کرده ایم و نه از پیشینه کهن خود. در فرهنگ اسلامی - ایرانی ما شاید تأکید منابع بیشتر بر کتاب باشد تا مؤلف به ویژه کتاب هایی که بیشتر شکل گردآوری دارند (مانند بحار الانوار مجلسی) تا ارائه یک نظر و اندیشه خاص (مانند تصحیح الاعتقاد مفید).

۹. بررسی امکان صدور برخی متون یا کتاب‌ها (ص ۲۸).
۱۰. تدوین موضوعی پراکنده‌های موجود از یک کتاب مفقود (ص ۲۸ به بعد، ص ۵۳ به بعد و ...).
۱۱. توجه به نسخه‌های خطی (ص ۳۵، ۳۶ پانویشت ۷۲ و ۷۳ پانویشت ۷۹، ۱۲۳ پانویشت ۵۶، ۱۲۴ و ...).
توجه به نسخه‌های خطی و ...
۱۲. افزون بر اینها کتاب سرشار از تحلیل‌های کلامی و بررسی سیر عقاید است (ص ۲۲، ۴۱، ۸۸، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۵ به بعد، ۱۳۰ و ۱۹۰ و ...).
۱۳. طبیعی است که در برخی مطالب اثری این چنین، که آکنده از احتمال‌ها و تحلیل‌هاست، جای چون و چرا و اما و اگر باشد و البته نقد و بررسی لازمه هر پژوهش جدی است، اما این مباحث فرعی به ساختار کلی و روش استوار کتاب خدشه‌ای وارد نمی‌کند.
۱۴. نکته‌ای که در این جا بدان اشاره می‌شود برخی مدخل‌های کتاب است که به گمان نگارنده با مبنای اصلی کتاب در نمی‌سازد. هدف میراث مکتوب شیعه معرفتی آثار تألیفی شیعی در سه قرن نخستین ق و پی‌گیری حضور متن آن آثار در متون پسین است. در حقیقت، این کتاب فهرستی از مؤلفان شیعی (یا راوی از امامان شیعه) است که در ذیل نام هر یک از آثاری که به دست ایشان گرد آورده یا انشاء/املاء/ تحریر شده آمده‌اند.
۱۵. حال جای این پرسش هست که نهج البلاغه (ص ۳۳ به بعد) فراهم آورده امیر مؤمنان (ع) است یا سید رضی؟ همچنین مسند (ص ۳۵) و دیوان (ص ۳۷) که به امام علی (ع) نسبت داده شده است؟ پیداست که این کتاب‌ها را نمی‌توان از آثار تألیفی امیر مؤمنان (ع) به حساب آورد. همین گونه است کتاب اخبار ابی‌رافع که به تصریح مؤلف از ابن‌بِقَال است و نه از ابی‌رافع (ص ۴۷).
۱۶. شاید مهمترین این موارد ذکر حدیث حقیقت (مال‌الحقیقه) در ذیل نام کمیل بن زیاد است. حدیث واره‌ای که به گفته خود مؤلف بالحن و اصطلاحات مکتب عرفانی ابن‌عربی است و شاید بیشتر بتوان آن را یک «مأثور عرفانی» به حساب آورد تا یک «اثر حدیثی» در اصطلاح خاص آن. در هر صورت با فرض
۱۷. در فهرست منابع جای این پرسش هست که چرا کتاب‌شناسی آثار مربوط به قم از مؤلف که در قم و به زبان فارسی به چاپ رسیده و در فهرست منابع (فارسی و عربی) هم از آن یاد شده، دیگر بار با حروف لاتین در فهرست منابع (لاتین) تکرار گردیده است؟
۱۸. همچنین است وضعیت مسند و دیوان که به امام سجاده (ع) منتسب شده است (ص ۶۱-۶۲).

- مؤلف و ... آمده است (ص ۴۹۰-۴۹۱ پانویشت، ص ۴۹۶ ذیل منبع ۱۳ و ...).
۱۹. مؤلف یادآوری می‌کند که بخش عمده مطالب کتاب را «پیش از پدید آمدن رایانه‌ها و برنامه‌های تهیه شده برای مطالعات حدیثی» فراهم آورده است (ص ۱۴) و البته اگر این پژوهش با بهره از برنامه‌های رایانه‌ای انجام می‌شد بر دقت آن افزوده می‌گشت (همان جا). اما این اندازه تتبع و استناد به منابع بدون برخورداری از برنامه‌های رایانه‌ای خود نموداری است از تلاشی که مؤلف در این تحقیق بر خود هموار کرده است. مؤلف دو نکته را در تنظیم و تحریر نهایی کتاب مدنظر داشته است:
۲۰. نخست، سعی در کوچک کردن اثر و پرهیز از فریه ساختن کتاب با مطالب تکراری و بهره‌وری از پژوهش‌های انجام شده و ارجاع بدان (ص ۱۵) و دیگر به روز ساختن ارجاعات کتاب‌شناسی و توجه به چاپ‌های جدید (بهرتر و صحیح‌تر) متون (ص ۱۶-۱۷).
۲۱. این دو نکته مهم است که می‌باید نمونه‌ای برای همه پژوهشگران و به ویژه فهرست‌گران و محققان متون باشد.
۲۲. از رهگذر این نگاه کتاب‌شناسانه و انتقادی به متون، بهره‌های مهم و راهگشایی در حوزه حدیث پژوهی می‌توان برد. یافته‌های ارزشمند و احتمالات شایان توجه مؤلف که در لابه‌لای مباحث اصلی از آنها سخن رفته، همگی حاصل همین نگرش است. این ملاحظات ریزبینانه را در چند عنوان می‌توان دسته‌بندی کرد:
۲۳. ۱. اشاره به دستیابی مؤلفان بعدی به کتب حدیث به شیوه «وجاده» و مرسل وار و نه با قرائت و سماع و اجازه (ص ۱۲۳، ۴۴۴ و ۴۶۶ و ...).
۲۴. ۲. اشاره به تحریر/ نسخه‌های مختلف یک متن (ص ۴۰، ۴۶، ۱۱۵، ۱۵۸، ۱۸۱، ۴۴۷ و ۴۴۹ و ...).
۲۵. ۳. توجه به اختلافات متون (ص ۴۰، ۴۶ پانویشت ۸۵ و ۵۸ و ...).
۲۶. ۴. اشاره به تصحیفات واقع شده در متون و اسناد یا احتمال آن (ص ۳۰ پانویشت ۴۸، ۷۲، ۸۹، ۹۱، ۱۱۱، ۱۴۳، ۱۵۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱ و ۳۱۷ و ...).
۲۷. ۵. اشاره به افزودها و کاست‌های بعدی در متون یا کتب حدیث (ص ۳۹، ۴۲، ۵۷، ۸۹، ۱۲۱، ۱۲۸ و ۱۵۱ پانویشت ۶۴ و ...).
۲۸. ۶. اشاره به موارد جعل و دستبرد در متون یا کتب حدیث (ص ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۱۲۳، ۱۲۸ و ۱۳۲ و ...).
۲۹. ۷. اشاره به اشتباهات متون (ص ۳۱، ۷۵، ۸۳، ۱۴۰، ۱۶۰، ۱۷۰، ۱۸۰ و ۱۹۴ و ...).
۳۰. ۸. اشاره به اشتباهات اسناد (ص ۴۷، ۵۱ پانویشت ۹۲، ۵۲، ۵۳، ۵۷ و ۸۷ پانویشت ۴۲ و ...).

به نیکویی به فارسی درآمده، هر چند در برخی جاها رنگ و بوی برگردان از یک زبان اروپایی را می‌توان در آن دید، مانند:

ص ۱۵ سطر ۲۱: بودن این امکانات می‌تواند (به جای این کتاب می‌تواند/ ممکن است این کتاب).

ص ۳۷ پانویشت ۷۹: اکنون بنگرید (به جای بنگرید).
ص ۱۱۱ سطر ۱۴: سمپاتی [=sympathy] (به جای همدردی/ عاطفه/ جاذبه).

ص ۱۷۳ سطر ۱۰: این متن طولانی (به جای متن طولانی ای که).
ص ۴۸۱ ذیل منبع ۱۰: ح. الرسولی (به جای ه. الرسولی [=هاشم الرسولی]).
و ...

اما جالب آن‌جایی است که ساختار دستوری زبان انگلیسی بر نشر فارسی مترجمان در مقدمه‌شان تأثیر نهاده، آن‌جا که نوشته‌اند: «این ممکن بود که در برخی مسائل ... چون و چرایی صورت گیرد» (ص ۸)، به جای «ممکن است که ...».

۷. شکل ظاهری کتاب - از طرح جلد تا صفحه‌آرایی - می‌توانست صورتی آراسته‌تر و دلپذیرتر از این داشته باشد و این البته همیاری مؤسسات فرهنگی ای را می‌طلبید که به چندین و چند عنوان پیدا و پنهان «تراث» و «حدیث» و ... معنونند و قاعدتاً می‌باید به تحقیقاتی پایه‌ای از این دست، توجهی درخور نشان دهند.

بعضی اشتباهات و افتادگی‌های چاپی در متن دیده می‌شود، مانند:
ص ۱۴ سطر ۹: بیشتری را تحقیقات ← بیشتری را برای تحقیقات.
ص ۲۲ سطر ۲: به حفص بود ← به حفص گفته بود.
ص ۷۴ پانویشت ۴۱: باید رد ← باید در.
ص ۱۲۳ سطر ۱۷: که طول زمان ← که در طول زمان.
ص ۱۹۰ سطر ۱۰: بنی هشام ← بنی هاشم.
و ...

در صفحه‌آرایی نیز برخی اشکالات به چشم می‌آید، مانند این که برخی پانویشت‌ها در صفحه بعد ادامه یافته، بدون آن که از صفحه پیش بتوان آن را دریافت (ص ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۲۴ و ۱۸۵ و ...). صفحات ۲۸۴-۲۸۶ نیز می‌باید در ص ۴۸۵ می‌آمد که البته بدین نکته در ص ۲۸۴ اشاره شده است.

امید می‌داریم و انتظار می‌بریم که دفتر دوم این اثر را جمند هر چه زودتر منتشر گردد و با همت مترجمان گرامی به فارسی برگردانیده شود و در دسترس فارسی‌زبانان اهل تحقیق به ویژه حدیث‌پژوهان قرار گیرد.



۶. چنان که برخی از بزرگان بر این عقیده بوده‌اند، نک: مقدمه نگارنده بر «شرح حدیث حقیقت»، میراث حدیث شیعه، دفتر ۵، ص ۲۰۸ پانویشت ۲.

صحت صدور این روایت از امام (ع) و نقل کمیل از آن حضرت، ۶ این حدیث کوتاه نمی‌تواند تألیفی از کمیل به شمار آید.

فراتر از این، هیچ‌یک از آثاری را که ذیل نام کمیل آمده نمی‌توان تألیفی از او دانست و با توجه به روش و هدف کتاب، اساساً ذکر نام کمیل در زمره مؤلفان - و نه راویان - شیعی درست نمی‌نماید.

«مسند عبدالله بن بکیر (ص ۱۸۵) که به عبدالله بن بکیر و مسند عمر بن علی (ص ۳۵۸) که به عیسی بن مبارک نسبت داده شده و دعای سمات (ص ۴۰۰) که در ذیل نام مفضل بن عمر از آن یاد شده نیز وضعیتی همین گونه دارد».

۶. کتاب را جناب سید علی قرائی و جناب رسول جعفریان با همکاری یکدیگر در طی یک سال (از بهمن ۸۱ تا بهمن ۸۲) به فارسی برگردانیده‌اند. همکاری مبارک ایشان، پیش از این نیز به ترجمه اثر ارزشمند اتان کلبرگ (کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او) انجامیده بود. صمیمانه باید مترجمان این کتاب را سپاس گفت و برای عرضه این اثر ارجمند به جامعه علمی فارسی‌زبان قدردان آنان بود.

مؤلف بلافاصله پس از چاپ اثر در کمبریج، نسخه‌ای از آن را در اختیار مترجمان نهاده (ص ۸) و از این راه صلاحیت مترجمان و رضایتمندی خود را از برگردان متن به دست آنان ابراز داشته است. نظارت بعدی مؤلف بر ترجمه موجب صحت و اتقان آن گردیده و چنان که مترجمان نوشته‌اند «مسئولیت شکلی و محتوایی آن، شامل اطلاعات و تحلیل‌ها» را همه بر عهده مؤلف نهاده‌اند (ص ۸). افزوده‌هایی که مؤلف بر این ترجمه دارد (ص ۸، مانند ص ۱۹۰ پانویشت ۵) متن فارسی را حتی اصیل‌تر و معتبرتر از اصل انگلیسی خود می‌سازد، به ویژه آن که صفحاتی از متن انگلیسی افتاده که مؤلف آن را برای مترجمان فرستاده و در متن فارسی آورده شده و برخی اصلاحات دیگر مؤلف نیز در برگردان فارسی اعمال گردیده است (ص ۲۸۴ پانویشت ۵۰).

مقدمه مترجمان (با عنوان یادآوری) در سه صفحه به ارزش تحقیقی اثر در بازسازی آثار مکتوب متقدم و نقش آن در بازشناسی دیدگاه‌های گذشتگان، شرحی مختصر از مؤلف و شیوه ترجمه می‌پردازد. افزون بر این، مترجمان گاه مطالبی به کتاب افزوده‌اند (ص ۳۷، ۵۹ پانویشت ۹۶، ۱۲۴ و ...). مترجمان شماره صفحات متن انگلیسی را درون [...] آورده‌اند و از این طریق کار مطابقت و مراجعه به اصل کتاب را آسان نموده‌اند همانند آنچه که مصححان در تصحیح متون می‌کنند و بدین وسیله آغاز هر برگه نسخه را یادآور می‌شوند. فهرست راهنمای پایان کتاب نیز براساس همین شماره صفحات متن انگلیسی است.

نثر ترجمه در مجموع روان و یکدست است و متن انگلیسی